

بیتنا

شماره مسلسل ۱۳۰

سال دوازدهم

اردیبهشت ماه ۱۳۳۸

شماره دوم

دکتر عیسی صدیق

تنزل سطح تحصیلات

درفر هنگ امروزی کشور دو موضوعی که بیش از همه شکفت آور و ملالت انگیز است یکی تنزل سطح تحصیلات و دیگر عدم توجه به پرورش ملکات فاضله و اخلاق حسنه است. در این گفتار راجع بموضوع اول مختصری خاطر نشان میشود بامید اینکه اولیای امور و متصدیان تعلیم و تربیت بدان توجهی معطوف دارند و از سیر قهقرائی فرهنگ جلو گیری کنند و ببالابردن سطح دانش و معلومات محصل کمر همت بندند. در کشور ما هر وقت اصلاحاتی آغاز شده اصول حقیقی و هدف و غرض واقعی عموماً فراموش شده و صورت سازی و ظاهر پردازی جای اقدامات اساسی را گرفته و در اثر تعبیر و تفسیر غلط معایب عظیم جدید پدید آمده است. مثلاً سالها صاحب نظران گفتند و نوشتند که تقلید از دستگاه تعلیم و تربیت ممالک لاتین معایبی دارد که باید از آن دوری جست. بعضی از این معایب عبارتست از اتکاء فوق العاده بحفاظت طفل، و از بر کردن دروس، و سنگینی طاقت فرسای برنامه، و غیر عملی بودن مواد

تحصیلی، و عدم توجه به پرورش اخلاقی در مدرسه، و بار آوردن افراد اتکالی که از خزانه دولت ارتزاق کنند...

در نتیجه این مذاکرات چند سالی است که زعمای قوم و سرپرستان فرهنگ از حوادث ایام و سوانح روزگار و عواقب جنگ دوم جهانی و توسعه نفوذ ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک استفاده کرده خواسته‌اند از طرق تربیتی آمریکا اقتباس کنند. کلاسهای کارآموزی با کمک اصل چهار صندوق مشترک در ظرف هشت سال اخیر در تهران و شهرستانها برای آموزگاران و دبیران تأسیس گردیده و کتب و رسالات متعدد بطبع رسیده و بین آنان توزیع شده است. عده‌ای از معلمین را نیز بامریکا دعوت کرده طرز اجرای روشهای جدید را ارائه داده‌اند. در برنامه مدارس هم تجدیدنظر نموده مواد زائد را حذف و عملیاتی را پیش‌بینی کرده‌اند. در امتحانات نهائی اختیار زیاد بمعلمین داده از نظارت وزارتخانه و ادارات فرهنگ کاسته‌اند. بر ایام استراحت و تنفس معلم و معلم افزوده دو دوره جدید بر تعطیلات رسمی اضافه کرده‌اند، یکی در دهه آخر آذر و دیگر در هفته دوم فروردین ماه. بنام توسعه معارف هر سال صدها کلاس متوسطه تازه (بدون دبیر حائز شرایط) ایجاد نموده و ده ها هزار نفر از دوره اول و دوم متوسطه فارغ‌التحصیل بیرون داده‌اند.

اکنون باید دید از زحمتی که کشیده و جوهی که بمصرف رسانده‌اند چه نتیجه‌ای عاید گردیده است.

بصورت ظاهر نه تنها نتیجه مطلوب بدست نیامده بلکه سطح تحصیلات بطور محسوس تنزل کرده است.

آثار این تنزل همه جا هویدا است. کسانی که دوره متوسطه را بی پایان رسانده میخواهند وارد دانشگاه شوند باید امتحان ورودی دهند؛ آنجاست که بنحو اطمینان بخش میتوان از ترقی یا تنزل سطح تحصیلات آگاه شد. آستانه دانشگاه چون پلی است که محصل باید از آن عبور کند و وسیله ایست برای تعیین پایه و مایه تحصیلات. امتحانات ورودی دانشگاه در سنوات اخیر نشان داده است که سطح تحصیلات قوس نزولی را پیموده. اگر مثلاً آمار دانشکده علوم در نظر گرفته شود (که امروز

مورد توجه خاص و دارای تجهیزات و تأسیسات و آزمایشگاههای بسیار است و روز ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ اعلیحضرت همایون شاهنشاه از آن بازدید فرمودند (حقیقتی نأسف‌انگیز ظاهر و آشکار میگردد).

در آغاز سال تحصیلی (شهر یور ۱۳۳۷) دانشکده علوم میخواست یکصد دانشجوی برای شعبه علوم طبیعی انتخاب کند. ششصد نفر برای امتحان ورودی نام نوشتند و نتیجه امتحان بقرار ذیل بود:

از ۶۰۰ نفر داوطلب فقط ۱۵ نفر معدلی بالاتر از ۸ (هشت از ۲۰) داشتند و بقیه یعنی ۵۸۵ نفر معدلشان از ۸ کمتر بود! دانشکده ناگزیر شد ۸۵ نفر کسری را از داوطلبانی بپذیرد که معدل آنها بین ۸ و ۶ بود!

این نکته را هم یادداشت بفرمائید که در دانشگاههای مهم فقط محصلین با استعداد را می‌پذیرند و اینان عموماً دارای معدلی هستند که بحساب معمول در ایران از ۱۲ بیلاست.

بدیهی است وقتی معلومات محصل دربدو ورود بدانسگاه کم و ناقص بود فارغ التحصیل‌های دانشگاه نیز مایه کافی از دانش نخواهند داشت و جای تعجب نیست که لیسانسیه معقول و منقول ملا محمدباقر مجلسی را معاصر داریوش بزرگک بداند، و دانشجوی سومین سال دانشسرای عالی جدید در ورقه امتحان تولد حضرت رسول را درسال ۳۰ هجری بنویسد، و محصل دانشکده ادبیات استقلال ایران را از پیدایش مشروطه اعلام بدارد، و لیسانسیه دانشکده علوم سه مرتبه در یک امتحان مردود شود! (۱)

چهل سال قبل که مدارس متوسطه کامل تهران منحصر بود به دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و دوره اول مدرسه علوم سیاسی، سطح تحصیلات متوسطه با دبیرستانهای اروپا تطبیق میکرد و اکنون درپارهای از مواد تحصیلات آخرین سال

۱ - طبق گزارش روزنامه دنیا (شماره ۲۲ فروردین ۱۳۳۸) سدانس آموزشی دبیرستان فروهر در تهران شب ۱۶ فروردین ماه در برابر تلویزیون در مسابقه هوش آزمائی با اطمینان خاطر گفتند که هندوستان با ایران مرز مشترک دارد و دریاچه حوض سلطان در آذربایجان ورنک فوقانی بیرق ایران زرد است!

لیسانس، از تحصیلات متوسطه کامل آن زمان کمتر است. اوراق انشاء زبان فرانسه کلاس ششم متوسطه در ۱۲۹۹ نشان میدهد که میزان معلومات شاگردان آن سال در زبان فرانسه از لیسانسیه‌های زبان فرانسه فعلی بیشتر بوده است.

علل این سیر قهقرائی البته منحصر با اتخاذ طرق جدید تعلیم و تربیت و تفسیر غلط از آنها نیست بلکه عوامل متعدد در این امر دخالت داشته‌است که بعضی از آنها را میتوان در اینجا یادآور شد، مانند تأثیرات جنگ دوم جهانی و اشغال ایران از طرف نیروهای بیگانه - ضعف دولت و اجرانشدن قوانین مالی (چون قانون مالیات بردرآمد وارث و اراضی و عدم تعادل بودجه) و قوانین فرهنگی (چون قانون اساسی فرهنگ و قانون تعلیمات اجباری) - گسیخته شدن شیرازه امور اقتصادی و عدم توازن حقوق معلم با مخارج ضروری روزمره - علاقه‌مندی شاهنشاه به بسط معارف و تعلیمات عمومی و بیداری ملت - تأسیس دبیرستان پیش از حد تناسب و بدون رعایت قانون تربیت معلم - ارفاق فوق‌العاده در امتحانات و احیاناً وجود فساد در پارامای از دستگاہها - میل شدید مردم بتوسعه سریع مؤسسات فرهنگی ...

بعضی از این عوامل باندازه‌ای روشن است کسه شاید محتاج به شرح و تفسیر نباشد ولی عده‌ای دیگر باید تشریح شود تا بتوان بر رفع آنها پرداخت و موجبات ترقی و بالا رفتن سطح تحصیلات را فراهم کرد: چنانچه فرصتی دهد بدین کار مبادرت خواهد ورزید.

لوپزان - ۲۶ فروردین ۱۳۳۸ عیسی صدیق

